



# انترناسیونال

## ۷۷

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۴ اسفند ۱۳۸۳، ۴ مارس ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

برنامه های ۸ مارس

جنبش کارگری در تعرض!

باید پشیمانشان کرد!

در حاشیه رویدادها

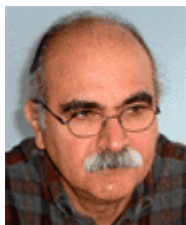
صفحه ۳

صفحه ۳

صفحه ۳

صفحه ۴

کاظم نیکخواه



رکن رهائی کل جامعه ایران! روز

صفحه ۲

## پیام حمید تقوائی به مناسبت روز جهانی زن

زن، و روز اعتراض به مناسبات و فرهنگ و قوانین نابرابر و پر از تبعیضی است که مردم سراسر جهان را از پایتختهای اروپائی تا روستاهای دور افتاده آسیا و آفریقا در چنگال خود میفشارد.

زنده باد هشت مارس

مردم آزادیخواه!

هشت مارس روز جهانی زن، روز برافراشتن پرچم آزادی و رهائی



ستون اول

محسن ابراهیمی

## شبح کمونیسم!

بالای سر حکام اسلامی سرمایه

گاهی اوقات حقایق زنده سیاسی را به سراسر ترین شکلش میتوان از زبان نمایندگان طبقات حاکم شنید. آنها میتوانند با غریزه طبقاتیشان، خطرات سیاسی علیه نظم موجود را پیشتر حس کنند و به عنوان یک هشدار طبقاتی آن خطرات را حتی بر زبان بیاورند. و وقتی بر زبان می آورند نشان دهنده این است که آن خطر آنقدر جدی است که در گوش طبقات حاکم هم طنین انداخته است.

برای مثال:

سالها پیش، نمایندگان خدا در زمین که به چیزی کمتر از صدور اسلام عزیز به سرتاسر کره ارض رضایت نمیدادند، که یک ماشینی عظیم حکومتی برای تربیت نسلی از جوانان خرافه پرست راه انداخته بودند، با دلهره عجیبی از به خطر افتادن اسلام در میان جوانان سخن گفتند. با چنین هشدار در باره به لرزه افتادن ارکان اسلام توسط متولیان اصلی اش، دیگر باید حتی پخمه ترین بادمجان دورقاب چینا در صفوف اکثریت و توده و ژورنالیستهای اسلام پناه غرب که به اندازه عمر جمهوری اسلامی برای حقنه کردن جامعه ایران به عنوان یک جامعه اسلامی عرق ریخته بودند باورشان میشد که مردم

صفحه ۲

## روز ۸ مارس را بدون حجاب برگزار کنیم!

اسلامی با اعلام حجاب اجباری به جنگ جنبش مدرنیستی و برابری طلب زنان آمد و تا امروز با نیروی قهر ضد زن سرپا مانده است. اما صفحه دیگر این تاریخ، مقاومت و کشمکش دائمی و تلاش برای رهائی از زندان

روز ۸ مارس را بدون حجاب برگزار کنیم!

جمهوری اسلامی یکی از وحشی ترین حکومتهای ضد زن تاریخ معاصر است. یک رکن مهم هویت این حکومت حجاب و آپارتاید جنسی است. جمهوری

صفحه ۲

## هشت مارس روز برداشتن حجاب اسلامی است!

روز بلند شدن صدای آزادیخواهی علیه نابرابری زن و مرد است. در هشت مارس در آکسیونها و گردهمایی های این روز باید حجابها را برداشت. زن و مرد و دختر و پسر باید دست و دست هم

هشت مارس روز برداشتن حجاب اسلامی و روز نه به این سمبل حقارت و بردگی است. هشت مارس روز نه به آپارتاید جنسی این مظهر بربریت در دنیای متمدن امروز است. هشت مارس

صفحه ۲



## ر بوده شدن یک فعال کارگری!

صفحه ۴

## اطلاعیه پایانی پلنوم ۲۲

صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## ستون اول

ایران نه تنها اسلامی نیستند بلکه دارند گور اسلام و حکومتش را در همان همان ایران میکنند.

چند سال پیش موسوی اردبیلی، از مهره های درشت رژیم اسلامی به هم طبقه ای های اسلامیش هشدار داد که این مردم "ما را به زباله دان تاریخ پرت خواهند کرد". با این اعتراف غریزی صادقانه به یک حقیقت سیاسی، حقیقت سرنگونی، نه تنها دوم خردادیهای سر به حکومت بلکه حتی خود فریب ترین مبلغین دوم خرداد در اپوزیسیون هم باید زباله دان تاریخ را در در یک چشم انداز نه چندان دور تاریخی مشاهده میکردند!

وقتی شاه گفت "صدای انقلاب مردم را شنیدم"، معنایش این بود که صدای انقلاب به نزدیکی کاخ

شاهنشاهی رسیده است. و یادتان باشد این همان شاهی بود که زیر سلطه اش حتی با برزبان آوردن کلمه انقلاب ممکن بود پایتخت به تخت شکنجه ساواک کشیده شود. به همین ترتیب، وقتی مبینیم که مدتهاست حکام اسلامی از "خطر انقلاب" حرف میزنند فقط یک معنا دارد: صدای انقلاب آنقدر قدرتمند شده است که به گوش ضد انقلاب اسلامی حاکم که روی صندلی شاه برای ادامه سرکوب انقلاب جلوس کرده بود هم رسیده است!

و اما سوسیالیسم و کمونیسم؟! این یکی دیگر شوخی نیست. این کلمات را باید فقط برای سرکوب تعقیب و اعدام بر زبان آورد. ضدیت با اسلام، سرنگونی و انقلاب همه یک طرف، سوسیالیسم و کمونیسم یک طرف! اینجا دیگر بحث بر سر زدودن مذهب از جامعه نیست، پرت کردن

دشمنان دنیای آزاد و برابر کمونیستی، آنهایی که برای زدودن

حتی نام کمونیسم از جامعه اقیانوس خون براه انداختند حاضر نیستند بسادگی بر زبان بیاورند. "کارگران فریب شعارهای کمونیستی را نمیخورند" یک واکنش غریزی- طبقاتی نمایندگان سرمایه به موج اعتصابات کارگری است. به این واقعیت است که در ماههای گذشته کارگران فریاد اعتراض خود را از تلویزیون انترناسیونال به گوش میلیونها مردم رساندند؛ که کارگران دارند بر فراز سر اصلاح طلبان اسلامی و خانه کارگرهای رنگارنگش، به نام خودشان، از طریق رسانه های خودشان و مستقیم و سراسر بر علیه دشمنان طبقاتیشان حرف میزنند.

این شعار آزادی و برابری، شعار نان و آزادی برای همه در ۱۶ آذر، اعتراض کارگران نساجی کردستان، فستیوال آدم بریفها و غرش تلویزیون انترناسیونال، سخنگوی این اعتراضات است که در گوش حکام اسلامی سرمایه طنین انداخته است. "کارگران فریب شعارهای کمونیستی را نمیخورند" بیان دیگری از این حقیقت "خطرناک" و هشدار دهنده است که کارگران فریب احزاب و جنبشهای طبقاتی سرمایه داران را نمیخورند. که کارگران دارند با اتکا به جنبش خودشان، جنبش کمونیسم کارگری در مقابل جنبش طبقات دیگر ابراز وجود میکنند. که کارگران دارند روی پای خودشان، روی جنبش خودشان راه میروند.

"کارگران فریب شعارهای کمونیستی را نمیخورند" یک هشدار طبقاتی از سر استیصال است. \*

از صفحه ۱ پیام حمید تقوایی به مناسبت روز جهانی زن

۸ مارس به خیابانها بیایید و فریاد اعتراض خود را علیه حکومت ضد زن جمهوری اسلامی بلند کنید.

## زنان آزاده!

نقض حقوق پایه ای زنان در ایران جمهوری اسلامی با حجاب آغاز میشود. حجاب اولین حصار آپارتاید جنسی و سمبل حقارت و اسارت زن است. هشت مارس بدون حجاب به خیابانها بیایید و بدون

مارس شرکت کنید، پرچم آزادی و برابری را برافرازید و با شعار زنده باد برابری، زنده باد آزادی زن و مرگ بر آپارتاید جنسی فریاد اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانید.

هشت مارس امسال میتواند و باید یک گام بلند و نقطه عطفی در مبارزه مردم ایران برای آزادی و برابری باشد. زنده باد هشت مارس!

حمید تقوایی، دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مارس ۲۰۰۵

از صفحه ۱ ۸ مارس روز برداشتن حجاب اسلامی است

هشت مارس را باید وسیعا جشن گرفت و صدای اعتراض خود را در همه جا علیه این حکومت ضد زن بلند کنیم. هشت مارس روز همه جامعه است. روز کارگران، معلمان، پرستاران و همه زنان و مردان آزادیخواه و معتزله به نابرابری زن و مرد و تحقیر بشریت است. هشت مارس را باید در همه جا بزرگ و با شکوه برگزار کرد و باید این روز به روز تعطیلی رسمی در کل جامعه تبدیل شود. وسیعا به گردهمایی های هشت مارس پیوندیم و در هر کجا که نمیتوانیم کار را تعطیل کنیم، در محل کار ساعتی این تعطیل کنیم و در گرامیداشت این روز سخن بگوئیم و با پخش شیرینی و شکلات این روز را جشن بگیریم.

هشت مارس امسال را باید با برداشتن حجابها و شعار زنده باد آزادی زن به یک حرکتی تاریخی تبدیل کنیم. در این روز رویانهای قرمز زنده باد آزادی زن را به سینه هایمان بزنیم و به صف عظیم مبارزه علیه نابرابری و برای رهایی زن پیوندیم.

تلویزیون انترناسیونال همراه با همه انسانهای آزادیخواه هشت مارس را گرامی میدارد. فراموش نکنید که در این روز وسیعا با این تلویزیون تماس بگیرید و اخبار میتینگها و اعتراضاتتان را به گوش همه مردم در جهان برسانید. زنده باد روز هشت مارس روز جهانی زن! \*

از صفحه ۱ روز ۸ مارس را بدون حجاب برگزار کنیم!

## زنان و مردان آزادیخواه:

۸ مارس امسال باید بعنوان روز قیام زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب علیه حجاب، و روز در هم شکستن قفس بردگی و حقارت اسلامی زنان در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان ایران ثبت شود. ۸ مارس باید در ابعاد هرچه وسیعتر به خیابان بیاییم و در دفاع از حقوق زنان و علیه تمام قوانین و سنتها و مقررات ضد زن پایه های این رژیم را بلرزانیم.

بیشتر نمانده است. باید خود را برای برپایی یک هشت مارس با شکوه و بزرگ آماده کنیم. امسال بیش از هر سال جنب و جوش برای برپایی با شکوه این روز به چشم میخورد. تلاش برای مجوز گرفتن ها و تدارک دیدنها از مدتی پیش شروع شده است. ابعاد این جنب و جوش ها را از اخبار های جمهوری اسلامی و اظهارات علنی آن میتوان دید. هم اکنون همه چیز حاکی از اینست که هشت مارس نیز میروید به روزی تاریخی در ایران تبدیل شود. جوانان امسال از همان عاشورای حسینی و برپایی پارتی خیابانی در میدان محسنی و در ماهشهر و دیگر شهرها به استقبال هشت مارس رفتند. جوانان در میدان محسنی اوج نفرت خود را از جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی پوسیده و قرون وسطایی آن به نمایش گذاشتند. دختران جوان و زنان در آن روز با برداشتن حجابهایشان به حجاب اسلامی نه گفتند و دختر و پسر با درآغوش گرفتن یکدیگر دیوار آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی را در هم شکستند. ما امسال در چنین حال و هوایی به استقبال هشت مارس میرویم. باید امسال در هشت مارس شاهد بزرگترین اجتماعات و تجمعات باشیم و با برداشتن حجابها در این روز با صدای بلند اعلام کنیم که دیگر به اینهمه حقارت و بردگی تن نخواهیم داد.

مبارزه عظیم زنان علیه جمهوری اسلامی برای آزادی و برابری یک رکن مهم تحولات آزادیخواهانه در شرایط حاضر است.

## زنان آزادیخواه!

حجاب سمبل حقارت و بردگی است، روز آزادی زن را در زندان حجاب نمیتوان بزرگ داشت. روز ۸ مارس بدون حجاب و هرچه وسیعتر به خیابانها بیایید، در تظاهرات و گردهمایی های ۸ مارس بدون حجاب شرکت کنید و به حکومت اسلامی و به همه دنیا نشان دهید که زنان آزاده ایران زندان حجاب و آپارتاید جنسی را تحمل نمیکند.

زنده باد آزادی زن!  
زنده باد آزادی و برابری!  
مرگ بر جمهوری اسلامی!  
ناوود باد آپارتاید جنسی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
اسفند ۱۳۸۳ - مارس ۲۰۰۵

## مسجدی ایستاده بر ویرانه های یک روستا



آرش سمیعی - تهران

تا از بالای منبرش ذهن و فکر انسانها به بند کشیده شود. تا تولید کنندگان ثروت به زندگی فقیرانه رضایت دهند. رضایت دهند که در ابتدای قرن بیست و یک و در جامعه ایران با ثروتهای افسانه ای نفت و گاز و منابع غنی به خانه های گلی و چوبی و عهد عتیق قناعت کنند و دم بر نیآورند. به بهشت این دنیای صاحبان ثروت و مکنت نیندیشند، بلکه به فکر بهشت دنیای دیگر باشند و دم فرو بندند. سرمایه داری و خادمان اسلامی شان برای انباشت سرمایه به کارگر ارزان و خاموش نیاز دارند و یکی از ابزارهای مهم توجیه این شرایط و ارزان و خاموش کردن نیروی کار، منبر مساجد است. ابزاری که در بیست و شش سال گذشته به نحو احسن از طرف شیادان اسلامی سرمایه بکار گرفته شد. پس باید این مساجد را محکم بسازند تا در مقابل زلزله سالم و پایرجا بماند و هیچ اتفاقی برایش نیافتد. ولی حکومت اسلامی و این مساجد در برابر زلزله انقلاب اجتماعی طبقه کارگر ایران با هدایت و رهبری حزب طبقاتی شان یعنی حزب کمونیست کارگری ایران پا برجا نخواهد ماند و فرو خواهد ریخت. ترکها و شکافهای ناشی از زلزله های اولیه ۱۸ تیرها، اول ماه مه ها، ۸ مارس ها، اعتصابات کارگری مانند نساجی سنندج و اعتراضات شهری مانند بهشهر و خاتون آباد و ممسنی و گناوه و شهرهای دیگر ایران در دو سه سال گذشته کاملا قابل مشاهده اند. این بنای سست به تلنگری بند است و با اولین زلزله انقلاب فرو خواهد ریخت.

زنده باد انقلاب  
زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

عکسی از یکی از روستا های زرنده کرمان پس از زلزله روز ۴ اسفند بر صفحه روزنامه دولتی ایران در تاریخ پنجم اسفند ۸۳ نقش بسته است. از روستا جز ویرانه چیزی نمانده است. در گوشه عکس، مسجد همان روستا را میبینیم سالم و پایرجا، با گنبد و مناره های درخشان. از روستا تلی از خاک برجا مانده و صدها مردم فقیری که زیر آوار مدفون شده اند. و از مسجد بالعکس همه چیز سالم. آیا نمیشد خانه ها را نیز مثل آن مسجد، محکم و با مصالح استاندارد روز ساخت تا کسی کشته نشود. جواب صد البته آری است. میشد ولی منافع عده ای سرمایه دار و گردن کلفت مفتخور و نظام منحوسشان ایجاب نمیکرد. سیاست رژیم اسلامی سرمایه ایجاب نمیکند که برای مردم خانه بسازند. بجای بودجه خانه سازی، بجای بودجه بهداشت و درمان، بجای بودجه آموزش و پرورش بودجه باید به ساختن مساجد، به حقوق آخوندهای مفتخور و گردن کلفت، به تبلیغ جهل و خرافه از همین منابر مساجد و جیب خیل عظیم سرمایه داران و ثروتمندان جامعه اختصاص داده شود. در شرایطی که ۵۰ درصد بودجه سالانه ایران را به هزینه های دفاعی اختصاص میدهند شاهد چنین فجایعی در قرن بیست و یک هستیم.

این مسجد بر ویرانه های روستا خود نمائی میکند، چرا که برای ساختنش مهندسیین متعددی را فرا خواندند. محاسبات مدرن انجام شد. بهترین مصالح و اکیپ های کاری بکار گرفته شد تا از بالای منبرش جهل و خرافه اشاعه دهند.

## جنبش کارگری وارد مرحله تعرضی شده است!

به بهانه نامه اعتراضی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران

ناصر اصغری

چند کارگاه و کارخانه محدود نموده و اکنون دیگر تقریبا به تمامی واحدهای تولیدی سرایت کرده است. چنان شدت گرفته که روزی نیست چند اعتراض اینچینی کارگری سد سانسور رژیم را نشکنند و در مطبوعات مجاز ایران بازتاب نیابند. نه تنها هیچ جناحی از رژیم، بلکه حتی هیچ فردی از این جناح ها هم به خود جرأت حمله به هیچکدام از این اعتراضات کارگری را نداده است. این از سر رفت و مرحمت این رژیم نیست، بلکه از سر "زمخت" بودن برخی این اعتراضات است. کارگران تا کنون میله های مجلس اسلامی هم به پیش رفته اند و مطالبات دیگری از قبیل تشکیل شوراها غیردولتی و انحلال انجمن و شوراها اسلامی را نیز مطرح می کنند؛ همچنین یک قدم جلوتر رفته و به بند و بست آل او با جمهوری اسلامی نیز اعتراض دارند. تنورسینها و استراتژیستهای رژیم با تحلیل و تفسیر بحران رژیم، با اولتیماتوم به کارگران می گویند که مجلس خانه ملت است و کارگران می توانند خواسته های خود را از طرق قانونی به گوش مسئولان برسانند! البته کارگران می خواهند اعتراض خود را به گوش دیگر اقشار جامعه نیز برسانند. از یکطرف مسئولان رژیم به خوبی به این موضوع واقفند و از طرف دیگر کارگران نیز خوب می دانند که مجلس خانه مشتت حزب الهی و جیره خوار رژیم است و ربطی به کسی که کار کرده و دستمزدی دریافت نکرده، ندارد.

آنچنانکه از وسعت این اعتراضات برمی آید، وجود یک

ظاهرا اعتراض کارگران به پرداخت نشدن دستمزدها و رواج کار قراردادی، از نوع اعتراضات دفاعی کارگران هستند. یعنی طبقه کارگر از آنچه که در حال حاضر دارد، در برابر حمله طبقه و دولت سرمایه دفاع می کند. خواسته هایی از قبیل تشکیل تشکلهای کارگری، کاهش ساعات کار، بالا رفتن دستمزدها، کنترل کارگری بر محیط کار، کلا خواسته هایی که طبقه کارگر از موضع قدرت آنها را مطرح می کند در چارچوب خواسته های تعرضی کارگران می گنجد. از طرف دیگر، اعتراض به بالا رفتن ساعات کار، اعتراض به نپرداختن دستمزدها، اعتراض به اخراج کارگران (چه کارگران مبارز و چه بیکارسازی ها)، اعتراض به کار قراردادی، اعتراض به فشار مدیریت (چه دولتی و چه خصوصی) برای منحل کردن تشکلهای موجود کارگری و غیره نیز از جمله اعتراضات دفاعی بحساب می آیند. اما آنچه را که امروز در ایران تحت نام اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و اعتراض به کار قراردادی شکل گرفته است، از شکل دفاعی خارج شده و بنابر یک سری مشخصات، به یک جنبش تعرضی تبدیل شده است.

طبقه کارگر تاریخا اعتراضات خود را بنابر توازن قوا مطرح کرده است. آنجا که در ضعف قرار داشته به اعتراض دفاعی بسنده کرده و آنجا که دولت سرمایه را در موضع ضعف دیده، طبقه کارگر به اعتراض تعرضی روی آورده است. امروزه اعتراض به رواج یافتن کار قراردادی جنبش اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای به تعویق افتاده به یک یا

شبکه ارتباطی نسبتا قوی بین کارخانه ها و کارگاه ها است. کارگران سریعاً مجمع عمومی تشکیل می دهند و تقریبا این اعتراضات همزمان و با یک محتوا، در شکل و طرح خواسته ها، بوقوع می پیوندند. این هنوز کم است. کارگران تمام واحدها باید سریعاً به هر اتفاقی عکس العمل نشان دهند. از شنیدن هر اعتراضی به عدم پرداخت به موقع دستمزدها، کارگران واحدهای دیگر باید سریعاً و علنا اعلام پشتیبانی کرده و نامه حمایتی برای آنها بفرستند. جالب است که وقتی رژیم این تلاشهای کارگری را به رادیوهای "بیگانه" و "ضدانقلاب" نسبت میدهد تا آنها را مثلاً تضعیف کند، جواب دندان شکن "حقوق ما را بدهید، تا دیگران دخالت نکنند" میگیرد! قدرت دستگیری و اخراج فعالین کارگری هم از رژیم سلب شده است و تنها کاری که توانسته بکند، این است که بگوید "استفاده سیاسی از این اعتراضات می شود".

اما جامعه هنوز یک فعال پیشرو کارگری را جلوی این صف نمی شناسد! پیشروان جنبش کارگری باید به جلوی صحنه بیایند و مستقیماً با نام و نشان خود، بخش هر چه وسیعتری از کارگران را مورد خطاب قرار دهند. طبقه کارگر باید با یک سیاست طبقاتی وارد کارزار با این رژیم بشود و کار آن را یکسره کند. سرنگونی رژیم اولین قدم مهم برای رسیدن به جامعه ای است که رهایی کامل کارگران را نوید میدهد. \*

**کلن:**  
برای غرفه اطلاعاتی در مرکز شهر از ساعت ۷ شب فدراسیون پناهندگان یک مراسم و تجمع و جشن به همین مناسبت خواهد داشت

**فراانگفورت**  
برای میز میز کتاب و غرفه اطلاعاتی تماس: ۰۰۴۹۱۷۲۹۷۱۶۲۷۷

**بوون:** از ساعت ۱۰ صبح تظاهرات در برابر کنسولگری جمهوری اسلامی آدرس: Ansankirche hof

**لندن:**  
میز اطلاعاتی ویژه ۸ مارس در مرکز شهر لندن در High street Kensington از ساعت ۱۲ ظهر

**سخنرانان:** مهین علی پور، کیمیا بازوکی، مهناز ماسوری، پیمان بخشایش، مهدی مولایی

**کوئیرک:** تظاهرات و سخنرانی در برنوز پارکن از ساعت ۵ بعد از ظهر

**سخنرانان:** سوسن صابری، شهلا نوری، شراره نوری، گلان مولودی

**مالمو:** میتینگ و سخنرانی در Treangelan

**سخنرانان:** فریده آرمان، معصومه گاهانی، تینا بیوی

**هلسینبوری (سوئد)**  
سخنرانی و پیکت از ساعت ۵ بعد از ظهر

**سخنران:** غریبه حسینی

**مکان:** مرکز شهر هلسینبوری

**میتینگ و راهپیمایی و اجرای نمایشنامه**  
تجمع از ساعت ۹ صبح در مرکز center  
راهپیمایی از ساعت ۱۱ صبح

**سخنرانان:** زری اصلی، فهیمه صادقی، مینا بهرزی سخنرانی و ورکشاپ خواهند داشت

**یکشنبه ۶ مارس**  
دالاس  
از ساعت ۱۲ ظهر  
یک گرد هم آبی و پیک نیک  
آدرس محل تجمع: Boob Wood ruff Park East Park Blv. E-plano

**سه شنبه ۸ مارس**  
**استگهلم:** سخنرانی، ساعت ۲ بعد از ظهر

**سخنرانان**  
آذر ماجدی، مینا احدی  
مکان: دانشگاه فرانکفورت

**گوئیرک:**  
سخنرانی و میتینگ از ساعت ۷ بعد از ظهر  
سخنران پروین کابلی  
مکان: Wieselgrens Platsen

**اسلوه:** از ساعت ۱۲ ظهر  
غرفه و میز اطلاعاتی مقابل پارلمان نوروژ

**تورونتو:** میتینگ و سخنرانی از ساعت ۷ بعد از ظهر  
سخنرانان: هما ارجمند، رابرت یکمن، سالی آرمسترانگ، میترا دانشی، خیال ابراهیمی

**ونکوور:**

**بر نامه های ۸ مارس**

**جمعه ۴ مارس**  
**استگهلم:** سخنرانی و میتینگ  
سخنرانان: مریم گوش، مهین علی پور، مهناز ماسوری، کیمیا بازوکی  
مکان: Kista traff

**پوروس (سوئد):**  
سخنرانی از ساعت ۶ بعد از ظهر  
سخنران پروین کابلی

**شنبه ۵ مارس**  
**فرانکفورت:**  
ساعت ۱۲ ظهر: تظاهرات در برابر کنسولگری جمهوری اسلامی  
ساعت ۴ بعد از ظهر

## اطلاعیه پایانی پلنوم بیست و دوم کمیته مرکزی حزب

بیش از پیش حزب بر مناسبات مدرن و منضبط را يك امر ضروری و عاجل دانست و بویژه بر اجرای پیگیر قراردادهای پلنوم دهم در این زمینه تاکید نمود. قراردادهای پیشنهادی دیگری نیز در این رابطه به پلنوم ارائه شده بود که بخاطر ضیق وقت تصویب آنها به دفتر سیاسی سپرده شد.

در پایان حمید تقوایی باتفاق آرا بعنوان لیبر حزب انتخاب شد و پانزده نفر از اعضای کمیته مرکزی بعنوان دفتر سیاسی انتخاب شدند. اعضای منتخب کمیته مرکزی عبارتند از:

محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، فاتح بهرامی، علی جوادی، شهلا دانشفر، سیاوش دانشور، عصام شکری، مصطفی صابر، اصغر کریمی، خلیل کیوان، آذر ماجدی، سیاوش مدرسی، مریم نمازی، و کاظم نیکخواه.

دفتر سیاسی در اولین نشست خود پس از پلنوم آذر ماجدی را باتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب کرد.

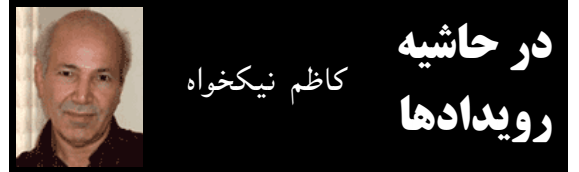
کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

دوم مارس ۲۰۰۵

حزب بود. در این دستور علی جوادی، اصغر کریمی و حمید تقوایی جنبه های مختلف بحث را معرفی کردند. وضعیت مشخص راست و چپ در جامعه ایران، ویژگیهای جنبش کارگری و جنبش انقلابی و بویژه روی آوری فعالین مبارزات کارگری جاری به حزب و نقش دخالتگر و هدایت کننده حزب در این مبارزات از جمله موضوعات مهمی بود که در این دستور طرح و بررسی شد. در این مبحث حمید تقوایی در رابطه با پولاریزاسیون طبقاتی در ایران، بستر و زمینه های جهانی این پولاریزاسیون در دوره پس از جنگ سرد، ویژگیهای جنبش کارگری و انقلاب در ایران بر این بستر جهانی و استراتژی حزب نظرات و تزهائی ارائه داد که مورد توجه و استقبال پلنوم قرار گرفت. اسناد مبتنی بر این مباحث بزودی منتشر خواهد شد.

موضوع دیگری که پلنوم مورد بحث قرار داد حزیت و روابط و مناسبات درون حزبی بود. پلنوم در این مبحث، با توجه به شرایط سیاسی ایران و نقش ظخیر و تعیین کننده حزب در این شرایط، اتکای

بیست و دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در روزهای ۲۵ تا ۲۷ فوریه برگزار شد. اولین دستور پلنوم طرح گزارشهای سیاسی و تشکیلاتی از فعالیتهای حزب در دوره پس از کنگره پنجم و بحث و تبادل نظر در این زمینه بود. در این مبحث حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی، آذر ماجدی رئیس دفتر سیاسی و اصغر کریمی رئیس هیات دبیران در گزارشهایی که ارائه کردند یک تصویر عمومی از فعالیتها و پیشرفتهای حزب در دوره پس از کنگره پنجم بدست دادند. همچنین رفقای مسئول کمیته ها و ارگانهای حزبی نیز هر يك در مورد عرصه فعالیت خود به پلنوم گزارش دادند. در این گزارشها و بحث و تبادل نظری که حول آنها صورت گرفت، انسجام و اتحاد بیش از پیش حزب پس از انشعاب اخیر و واقعیات و شاخص های اجتماعی و سیاسی متعددی که نشانگر قدرت گیری چپ و مشخصا گسترش نفوذ و محبوبیت حزب در جامعه است مورد بحث و بررسی قرار گرفت. یکی از مباحث مهم پلنوم اوضاع سیاسی ایران و موقعیت



## در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه

### باید پشیمانان کرد!

باید از همین الان تضمین نماییم.

### عاشورای تهران: جشن جوانان عزای جمهوری اسلامی

از مراسم عاشورای امسال در تهران روزنامه جمهوری اسلامی گزارشی داده است که خواندنی است: "در میدان محسنی و خیابان میرداماد در روز عاشورا عده ای دختر و پسر با تیپ مستهجن و لباسهای غربی در برابر عزاداران پارتی و جشن برپا کرده بودند. در این مراسم که شبیه یک پارتی خیابانی بود دختران و زنان بد حجاب و بی حجاب با روسری های توری و پسران با تیپهای غربی در غروب عاشورا و شام غریبان اعتقادات و مقدسات مسلمانان را مورد تمسخر قرار دادند. دختران و پسران بیش از ۵۰۰ نفر بودند که به تدریج برشمار تجمع کنندگان افزوده میشد. آنها با موزیک عزای دسته "مکتب الشهدا" می رقصیدند. دختران رو سرپهانشان را به عمد به زمین می انداختند. دختر و پسر یکدیگر را در آغوش می گرفتند. چپیس و بستنی و پفک می خوردند. حدود ساعت ۲۱ سردار طلایی فرمانده نیروی انتظامی تهران در این مراسم حاضر شد. اما دختران و پسران در حالیکه هلهله سر میدادند با سوت و کف و شعار به دنبال وی راه افتادند و دور میدان محسنی گشتند و او را هو کردند و او مجبور به ترك صحنه شد. تجمع و پارتی جوانان پس از آن در خیابانهای اطراف ادامه پیدا کرد..."

این بی تردید طلایه های اولیه موجی است که منادیان خرافه و مرگ و عزا و سرکوب را از صحنه سیاسی ایران جارو خواهد کرد و زندگی و رفاه و شادی را به مردم نوید خواهد داد. اگر اینان انقلاب ۵۷ را با عزاداری عاشورا و تاسوعا خفه کردند، حکومتشان را با یک تازیهای خوین در این روزهای نفرت آور تحکیم کردند، انقلاب علیه این ماشین مرگ و جنایت با کارناوالهای شادی و جشن آغاز میشود. طبعاً همه مردم ظرفیت بی

به گلوله بستن مردم زحمتکش اطراف نوشهر نباید بی پاسخ بماند. روز چهارشنبه ۱۲ اسفند ماه مردم زحمتکش سه روستای اطراف نوشهر بنامهای "صلاح الدین کلا"، "تاج الدین کلا"، و "پی کلا" در اعتراض به واگذاری ۷۰ هکتار از زمینهای این روستاها به بنیاد مستضعفان جمهوری اسلامی دست به تجمع و اعتراض زدند. مزدوران مسلح جمهوری اسلامی این اعتراض را به خون کشیدند و بیش از ۲۰ نفر را زخمی کردند که بنا به گزارش روزنامه های رژیم حال سه تن از آنها وخیم است. این گزارش از جانب رسانه های حکومتی منتشر شده و هنوز گزارش مستقلی که ابعاد واقعی مساله را توضیح دهد منتشر نشده است.

این تهاجم باید با اعتراض وسیع همه مردم پاسخ بگیرد. این روزها و این ماهها ماههای اعتراض و تجمع و تظاهرات علیه جمهوری اسلامی است. اگر مزدوران حکومتی جرات کنند دست به تهاجم مسلحانه بزنند، اگر پاسخی ندان شکن نگیرند، اگر کارگران، دانشجویان، معلمان، دانش آموزان در گوشه و کنار این کشور به این پاسداران جهل و فقر و مرگ نفهماند که دوره این یک تازی های وحشیانه گذشته است و هیچ تنک موردی را بدون اعتراض و تظاهرات و افشاکاری رها نخواهند کرد، توحش اینها میتواند بازهم در این شهر و آن شهر جنایت بیافریند. "تاج الدین کلا" و "صلاح الدین کلا" و "پی کلا" با همین رویداد باید به نامهای شناخته شده ای تبدیل شوند. آن مزدور مسلحی که امروز جرات میکند تفنگش را بروی مردم نشانه رود باید بفهمد که روزگار را بر خود سیاه کرده است. باید مجبور شود خود را از ترس مخفی کند. باید کاری کنیم که سران حکومت مجبور به معذرت خواهی از مردم شوند. باید مجبورشان کرد عاملان و دستور دهندگان این جنایت را به مردم معرفی کنند. این را ما مردم

## جمهوری اسلامی یک فعال کارگری را در سندانج ربوده است

دهند. جان بهاءالدین حسینی در خطر است و باید فوراً آزاد شود.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ اسفند ۸۳ - ۲ مارس ۲۰۰۵

تلفن: ۰۰۴۹-۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

ای میل: asangaran@aol.com

مورد بازرسی قرار داده بودند. حسینی از روز ۳ اسفند تا کنون به خانه اش بر نگشته است. بستگان و دوستانش تا کنون با جواب سر بالای نیروهای رژیم اسلامی روبرو شده اند. جمهوری اسلامی مسئول جان این کارگر میباشد. ما از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و از همه سازمانهای کارگری میخواستیم که سریعاً جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار

جان این کارگر در خطر است. جمهوری اسلامی مسئول جان او میباشد. بهاءالدین حسینی روز ۳ اسفند ۱۳۸۳ برابر با ۲۲ فوریه ۲۰۰۵ در شهر سندانج ربوده شده است. حسینی يك فعال کارگری است که در يك کارگاه ساختمانی در سندانج مشغول به کار بود. چند روز قبل از ربودنش نیروهای امنیتی رژیم اسلامی خانه او در سندانج را

آخوند نمیخواهند. حکومت اسلامی نمیخواهند. به همه مقدسات حکومت و حکومتیان بی ملاحظه تف میکنند...

و بالاخره اینکه به زودی نوروز نیز فرا میرسد و نوروز امسال با محرم مصادف شده است و این یعنی جشن دوبله! \*

جدی حکومت اسلامی است. سوال اینست که جمهوری اسلامی چند عاشورا و رمضان و محرم و وفات و شهادت اپنچینی را میتواند از سر بگذراند؟ دختران و پسران به خیابان آمده اند. حجاب نمیخواهند. عاشورا و محرم و روزه نمیخواهند. روزه خوانی و عزاداری نمیخواهند.

حد و حصر جنایتکاری حاکمین اسلامی را بخوبی میشناسند و برای پاسخ به آن نیز باید کاملاً آماده بود. اما روزهای او جگگیری عریده کشی و یک تازی شان یعنی روزهای "شهادت" و "وفات" و "رمضان" و محرم فی الحال به ضد خودشان تبدیل شده است. و این يك معضل